

قیمت اقتدار کشور چقدر است؟



دکتر بهزاد رستگاری
راوی کتاب

فکر می‌کنم نسل ما در این کشور نسل عجیبی است. نسلی که خیلی از حوادث را به چشم دیده و پشت سر گذاشته است. تلاش رژیم برای از بین بردن ما به وسیله ساواک، ظهور انقلاب که شور عجیبی در جوانان به وجود آورد و خیلی از مسائل دیگر که باور کردنش کمی سخت است. موضوع علم پزشکی انسان است. نه انسانی که صرفاً بیمار است؛ بلکه انسانی که باید سالم باشد تا محقق‌کننده اهداف کشورش باشد. هر بحرانی که پیش می‌آمد جامعه پزشکی در خط مقدم آن مجموعه بود. پزشکی یک تیم است و کار همه این علوم تأمین سلامت مردم است.

دهه سوم زندگی جوانان دوره ما را جنگ تشکیل داده بود. بحران عجیبی بود. خاصیت جنگ طوری است که یکی از گروه‌هایی که به آنها خیلی نیاز پیدا می‌کنند، گروه پزشکی است. اهمیت پزشکی تا این حد بود که وقتی در خط بود، رزمندگان احساس آرامش می‌کردند. گاهی حتی با رزمندگان در دل دشمن می‌رفتیم. در بعضی عملیات‌ها مثل عملیات محرم، قبل از عملیات و شبانه مرکز اورژانس برپا کردیم و وقتی عملیات شروع شد از عقب جبهه برای ما نیرو و مجروح می‌آوردند. روزی که قطعنامه پذیرفته شد در خرمشهر و در مدرسه‌ای به عنوان اورژانس

مستقر شده بودیم. وقتی پیام حضرت امام را شنیدیم (که کاش فیلمی از آن صحنه برداشته می‌شد) بچه‌ها روی زمین گرم زار می‌زدند و گریه می‌کردند. ما در زمان جنگ امکانات خاصی نداشتیم، در مقابل عراق از طرف همه ابرقدرت‌ها حمایت و پشتیبانی کامل می‌شد. بعضی از بچه‌های ما در عملیات رمضان از تشنگی جان دادند و شهید شدند؛ در حالی که عراقی‌ها در تانک‌های کولردار با رزمندگان ما می‌جنگیدند.

بنابراین وظیفه داریم و تکلیف هم‌نسل‌های ماست که این تجربیات و خاطرات به نسل بعد از خود منتقل کنیم. جوانان امروز باید بدانند چه اتفاقاتی افتاده و به چه قیمتی این همه اقتدار نصیب کشور شده است. این اقتدار مفت و مجانی به دست نیامده که بعضی‌ها این روزها به کف خیابان بیایند و خواستار تجزیه کشور شوند. از دل همین شهر ۱۰۵ هزار نفره نجف‌آباد در زمان جنگ، یک لشکر به نام لشکر ۸ نجف‌آشرف بیرون آمد و به جبهه‌ها اعزام شد. هر جایی از جنگ‌گره می‌خورد پیش‌تاز و گره‌گشای آن مشکل لشکر ۸ نجف‌آشرف بود که شهید احمد کاظمی فرمانده رشید و دلاور، آن لشکر را هدایت می‌کرد. فقط از یکی از دبیرستان‌های شهر ما نجف‌آباد ۲۳۰ نفر شهید شدند. بنابراین باید قدر دان شهدا و تلاش عزیزانی باشیم که این همه ایثار و فداکاری کردند.

پی‌نوشت: کتاب «مسیر رستگاری»؛ روایت زندگی و خاطرات دوران انقلاب و دفاع مقدس رزمنده پرستار بهزاد رستگاری است که در ۳۴۴ صفحه توسط انتشارات شهید کاظمی روانه بازار نشر شده است.

«خروج از سایه»؛ روایتی از اقدامات گروهک تروریستی کومله در ایران

جایگاه مهم «سنندج» و «مریوان»

این فصل نیز ارتباط بین محافل اولیه کومله که تمام اعضای آن کرد بودند با کردهای عراق و رابطه آنها با اتحادیه میهنی عراق و جلال طالبانی بررسی شده است.

در فصل دوم به موضوع بازسازی و ایجاد ارتباط بین محافلی پرداخته شده که پیشتر هم ارتباط مستقیمی نداشتند. این موضوع پس از آزادی چند نفر از بنیانگذاران آینده کومله در تابستان ۱۳۵۷ و تشکیل کنگره اول کومله رخ داد. این محافل تا مدت‌ها و تا وقتی گروهی به نام سازمان زحمتکشان کردستان اعلام موجودیت کند، تحت عناوین مختلف دیگر و به صورت مشتت فعالیت می‌کردند.

در فصل سوم که عمدتاً بازه زمانی پس از پیروزی انقلاب را بررسی می‌کند، روند اعلام موجودیت محافظه کارانه سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران روایت می‌شود. در این مدت نیز کومله به شدت از نارضایتی مردم ستم‌دیده کردستان به نفع خود بهره می‌برد.

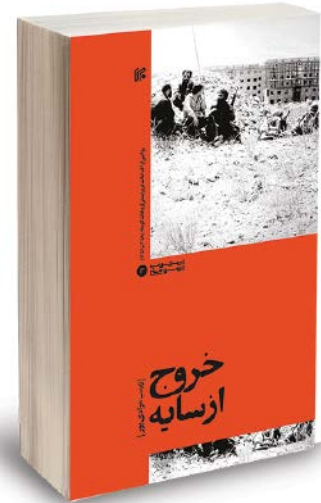
در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «حرکت بعدی کومله، برنامه‌ریزی برای تصرف پادگان سنندج بود. این مقطع زمانی که به دوران نبرد پادگان‌ها و پاسگاه‌ها معروف شده، برای کومله و دموکرات‌ها اهمیت بالایی برخوردار بود. هرچند، حزب دموکرات کردستان ایران در مورد تصرف و غارت پادگان مهاباد پیش‌دستی کرده و کومله را فریب داده بود، اما حوزه سنندج برای فعالیت کومله، حوزه بزرگ‌تر و مهم‌تری بود. از یک

کتاب «خروج از سایه» روایتی از اقدامات گروهک تروریستی کومله» روایتی از چگونگی شکل‌گیری گروهک کومله و فعالیت‌های خرابکارانه این گروهک تروریستی و اعضای آن در جریان ماه‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که به تازگی توسط انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران منتشر شده است.

کتاب حاضر از محدود کتاب‌هایی است که به طور خاص و متمرکز به موضوع این گروهک جنایتکار در جریان غائله کردستان و نحوه تعارض و مقابله آنها با حکومت نوپای اسلامی پرداخته است. نویسنده در این کتاب سعی دارد در کنار پرداختن به فعالیت‌های کومله و رابطه آن با دیگر گروه‌های حاضر در صحنه ناآرامی‌های کردستان، تصویری هم از اوضاع آن مناطق ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ارائه کند.

در این کتاب تلاش شده از درون ساختار محافل کومله به تشکیلات آن در سال اول پس از پیروزی انقلاب نگاهی بیندازیم. به همین منظور ابتدا با تکیه بر مصاحبه‌ها، کتاب‌ها و خاطرات شفاهی و نشریات داخلی که خود کومله آنها را منتشر کرده، ماجراهای مربوط به کومله بررسی شده است.

در فصل اول کتاب، نویسنده ابتدا به طور کلی نگاهی به سیر حرکت جریان‌های غالب چپ در ایران به خصوص در کردستان دارد، سپس به مرور به وقایعی که منجر به جدایی محافل چپی شده است، می‌پردازد. انتهای

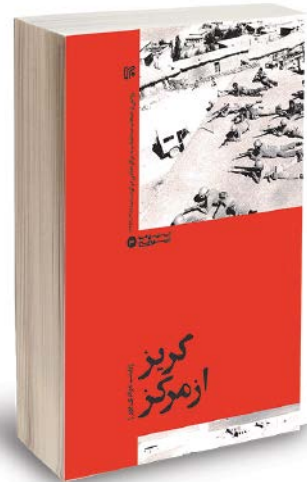


طرف، پادگان سنندج وسعت زیادی در سطح یک لشکر داشت، در حالی که گنجایش پادگان مهاباد تنها یک تیپ بود؛ از طرف دیگر، کومله خود را برای در دست گرفتن قدرت در جنوب کردستان مستحق‌تر می‌دانست و شهر سنندج و مریوان را دارای جایگاه مهمی در حیات سیاسی و نفوذ اجتماعی خود می‌پنداشت.»

این کتاب با ۱۹۹ صفحه و قیمت ۶۰ هزار تومان منتشر شده است.

«گریز از مرکز»؛ روایتی از حملات گروهک‌های ضدانقلاب به مراکز نظامی در کردستان

چرا سلاح‌شان را برنگرداندند؟!



این کتاب نگاهی روایی بر سیر تحرکات منجر به سقوط مراکز نظامی کردستان و نقش آن در تحولات کشور و منطقه دارد.

این پژوهش در ۹ فصل با عناوین آرایش مراکز نظامی و انتظامی مناطق کردنشین، پراکندگی گروه‌های مبارز در منطقه، سیطره حکومت پهلوی بر کردستان، فرصت‌گسترش در ناامنی، آشوب در پایگاه‌ها، مهاباد، همیشه سرآغاز، مرکز رقابت‌ها، شهر به شهر گسترش بحران و پایه آغاز و پایان بحران تنظیم شده است.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «با اوج‌گیری انقلاب، علاوه بر نیروهای طرفدار انقلاب، عده‌ای از سران گروه‌های مبارز که خارج از ایران یا در زندان به سر می‌بردند نیز به تدریج به کردستان بازگشتند و تشکیلات خود را گسترش دادند. آنها به دلیل آشفته‌گی اوضاع، دسترسی به سلاح و سامان دادن به تشکیلات و مطالباتشان را نیز به سرعت پیش بردند. بنابراین، از همان روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب، مجدداً منطقه کردستان با حضور فعالان کرد، انقلابی و چپ، مرکز التهاب و آشوب شد. همه این گروه‌ها مسلح بودند،

کتاب «گریز از مرکز» به قلم زینب مرادی پور از حمله نیروهای ضدانقلابی به مراکز مختلف نظامی ایران می‌گوید. در کتاب گریز از مرکز به محدوده جغرافیایی مناطق کردنشین و آرایش مراکز نظامی و نحوه گسترش بحران و ناامنی به شهرهای مجاور و سایر مناطق می‌پردازد.

در این کتاب به مسائلی چون حمله گروهک‌های ضدانقلابی به مراکز مختلف نظامی و مبارزه مسلحانه با حکومت نوپای جمهوری اسلامی پرداخته شده است. این گروه‌ها در سایه کم‌رنگ شدن اقتدار حکومت مرکزی، به پاسگاه‌های مرزی، مراکز ژاندارمری، مراکز شهرستانی، مقرهای سپاه و پادگان‌های ارتش در کردستان حمله کرده و در مقطعی موفق به تصرف و خلع سلاح بعضی از این مراکز شدند.

نویسنده در این کتاب سعی دارد علاوه بر روایت فعالیت‌های گروه‌های مختلف در کردستان و تلاش آنها برای تصرف مراکز نظامی و به دنبال آن، تصرف شهرها و مناطق، تصویری هم از اوضاع آن مناطق در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ارائه کند.

البته مردم کرد از قدیم با سلاح آشنا بودند و گروه‌های کرد هم معمولاً مسلح بوده‌اند. بعد از پیروزی انقلاب، وقتی امام گفت مردم سلاح‌هایی را که دوران انقلاب از پاسگاه‌های شاه برده‌اند، برگردانند، در کردستان، از این پیام استقبال نشده و سلاح چندان‌ی هم بازگردانده نشد.»